

کنایہ های

بلوچی

مَکْرانی

جلد دوم

تألیف: اسماعیل چشم نور



نمایشگاه و فروشگاه دائمی آثار نشر پرنیان اندیش

هر کجای جهان هستید می‌توانید با مراجعه به نشانی اینترنتی زیر، نسخه‌ی قانونی آثار مورد نظر خود را خریداری نمایید:

parnianandish.com

توفیق در کسب دانش، آگاهی و موفقیت پایدار، از مسیر درستی و صداقت می‌گذرد. هرگونه مطالعه و بهره‌برداری از آثار نشر پرنیان‌اندیش تنها با ذکر منبع و فقط برای خریدار و خانواده‌ی او یعنی والدین، خواهر، برادر، فرزندان و همسر وی مجاز می‌باشد. خریدار کسی است که بهای اثر مورد نظر خویش را از طریق فروشگاه اینترنتی

به نشانی parnianandish.com پرداخت می‌نماید.

در صورتی‌که آثار به هر طریق دیگر به دست شخص برسد، می‌بایست نسخه‌ی قانونی را با پرداخت بهای آن از طریق نشانی فوق خریداری نماید. بدین ترتیب، امکان خدمت هر چه بیشتر در راه اعتلای فرهنگ ایران‌زمین و ادامه‌ی خلق آثار ارزشمند دیگری که هریک نیازمند تلاش فراوان و صرف زمان و هزینه‌های بسیار زیاد است، فراهم می‌گردد.

این اثر تحت حمایت قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ قرار داشته و بر اساس ماده‌ی ۲۳ این قانون، هر کس بدون اجازه‌ی کتبی تمام یا قسمتی از اثر را به نام خود، یا به نام پدیدآورنده و یا به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده مورد نشر یا پخش یا عرضه قرار دهد، به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد.

کلیه‌ی حقوق این اثر به نشر پرنیان‌اندیش تعلق دارد.

هرگونه تخلف از سوی واحد حقوقی انتشارات مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

parnianandish.com

رسالت نشر پرنیان اندیش، پرورش فکر و رشد انسان‌هاست



کنایه های بلوچی مکرانی

جلد دوم

تألیف: اسماعیل چشم نور



انتشارات پرنیان اندیش

parnianandish.com

کنایه های بلوچی مکرانی - جلد دوم

تألیف: اسماعیل چشم نور

ناشر: پرنیان اندیش

طراح صفحات: مهندس عصمت گلزار

طراحی جلد و امور فنی تولید: مهندس سپهر انصاری

تعداد صفحات: ۲۲۲

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۴-۴۴-۸

سرشناسه: چشم نور، اسماعیل، ۱۳۵۹-

عنوان و نام پدیدآور: کنایه‌های بلوچی مکرانی/تالیف اسماعیل چشم‌نور.

مشخصات نشر: تهران: پرریان اندیش، ۱۳۹-

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۴۴۴-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: فهرست‌نویسی بر اساس جلد دوم، ۱۳۹۹.

موضوع: ضرب‌المثل‌های بلوچی

Proverbs, Baluchi: موضوع

موضوع: کنایه -- واژه‌نامه‌ها

Irony -- Dictionaries: موضوع

موضوع: فرهنگ عامه -- ایران -- مکران

Folklore -- Iran -- Mokran: موضوع

موضوع: اصطلاح‌ها و تعبیرها -- ایران -- مکران

Terms and phrases -- Iran -- Mokran: موضوع

رده بندی کنگره: PIR۳۲۵۳/۴۷

رده بندی دیویی: ب۹فا۴

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۴۰۴۶۲

نمایه

صفحه

عنوان

۹.....	درآمد ناشر.....
۱۱.....	مقدمه
۲۲.....	جدول حروف بلوچی.....
۲۴.....	کنایه ها

فصل اول - آرایه ی کنایه و کاربردهای آن

۳۲.....	انواع کنایه به لحاظ مکنیّ عنه
---------	-------------------------------------

فصل دوم- بررسی و توصیف کنایات در بلوچی مکرانی از حرف (آ) تا (ش)

۳۷.....	ک
۷۵.....	گ
۱۰۱.....	ل
۱۲۵.....	م
۱۵۵.....	ن
۱۷۱.....	و
۱۸۵.....	ه
۲۱۵.....	ی
۲۲۱.....	منابع

به خُلق و لطف توان کرد صید اهل نظر
به بند و دام نگیرند مرغ دانا را

دگرنامی یا کنایه را به بیان دیگر صفت مجاز خوانده اند. در آن، سخن پردازان مفاهیم ساده و صفات و احوال ملموس را به جای مضامین پیچیده به کار می برند تا غایت کلام به شیواترین صورت تجلی یابد. کنایه از جمله ابزارهای مهم زبانی و بیانی به شمار می رود. به ویژه در فرهنگ ها و جوامعی همچون کشور ما که همواره در طول تاریخ با انواع سختی ها و تلاطمات اجتماعی دست به گریبان بوده و از سوی دیگر، دارای پیشینه ی غنی فکری و ادبی می باشد، کنایه و سخنان کنایه آمیز جلوه و رونقی مضاعف یافته است.

کشور عزیزمان یکی از شاخص ترین سرزمین های جهان، به واسطه ی برخورداری از گوناگونی اقلیمی، فرهنگی و قومیتی به شمار می رود که از جمله زیبایی ها و جاذبه های آن شناخته می شود. شناخت و توجه هر بیشتر نسبت به فرهنگ ها و قومیت های ایران موجب همبستگی بیشتر، آشنایی، نزدیکی و دلبستگی متقابل اقوام مختلف خواهد شد و مفاهمه و وحدت را می افزاید.

در اثر پیش رو که به کوشش جناب اسماعیل چشم نور فراهم شده، صنعت ادبی کنایه در ادبیات غنی قوم بلوچ مورد مطالعه قرار گرفته که پیشینه ای دراز دامن و فاخر دارد و به لحاظ مطالعه و پژوهش های دانشگاهی بسیار بکر است. نشر پرنیان اندیش اثر حاضر را به دوستداران و علاقه مندان فرهنگ و ادب گونه گون ایران تقدیم می نماید. امید که مورد قبول واقع شود.

ندانم این شب قدر است یا ستاره ی روز
تویی برابر من یا خیال در نظرم

دکتر سپهر انصاری

مدیر نشر پرنیان اندیش

اول دفتر به نام ایزد دانا
صانع پروردگار حی توانا
اکبر و اعظم خدای عالم و آدم
صورت خوب آفرید و سیرت زیبا
(سعدی)

شکر و سپاس خداوند بزرگ و بلند مرتبه را، خداوند منان و خالق که انسان را به بهترین صورت خلق نمود «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (هر آینه انسان را به نیکوترین صورت آفریدیم) (سوره تین آیه ۴). خداوند حکیم و دانایی که انسان را به زیور علم و دانش مزین نمود و به انسان‌ها توفیق کسب علم و دانش و دانایی عطا نمود.. تا در کوران حوادث روزگار شمع پرفروغ علم و دانش را به دست گرفته واز تاریکی‌های جهل و نادانی به دور، و به سوی نور و روشنایی حرکت کنند.

سرزمین بلوچستان

مردم بلوچ یکی از مردمان ایرانی تبار و بومی ساکن در ایران، پاکستان، افغانستان هستند که در کشورهای دیگر همچون ترکمنستان، عمان، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، و برخی دیگر از کشورهای اروپایی، آمریکایی نیز مهاجرت کرده اند. یونانیان سرزمین بلوچستان را «گدروشیا» نامیده اند که از شمال به سیستان و از جنوب به دریای مکران و از مشرق به سند و از مغرب به کرمان محدود می‌شد.

بلوچستان قسمتی از استان سیستان و بلوچستان است که در جنوب شرق ایران واقع شده است که از شمال به کوه ملک سیاه کوه و ابتدای چاله سیستان، از جنوب به دریای عمان، از غرب به کرمان و هرمزگان و از شرق به افغانستان و پاکستان محدود است.

بلوچستان قبل از اسلام «مکیا» یا «ماکا» نامیده می‌شده است و پس از اسلام از آن به عنوان مکران نام برده شده است. نادرشاه افشار این سرزمین را به سبب زندگی قومی که خود را بلوچ می‌نامید به بلوچستان نام گذاری نمود. این سرزمین در نزدیکی خط استوا قرار دارد لذا بجز معدود مناطق کوهستانی بقیه نواحی به علت تابش عمودی خورشید دارای تابستان های گرم و خشک است.

در شاهنامه فردوسی هم ذکری از بلوچ ها شده است. علی النصوص در داستان کیخسرو که این مورد قبل از اسلام و حمله اعراب به ایران می باشد.

این سرزمین ویژگی های منحصر به فرد را دارد. مجاور بودن به دریای عمان یکی از مزیت های طبیعی این منطقه است که از حیث دسترسی به آب های آزاد و از لحاظ شرایط جوی و زیست محیطی آن را از مناطق دیگر مجزا کرده و رنگ و بوی خاصی بخشیده است. گر چه مردمان این خطه با تابستان های گرم و خشک دست و پنجه نرم می کنند ولی تابستان های این سرزمین همراه با برداشت محصولات باغی و زراعی است که خستگی و رنج را از وجود کشاورزان و دهقانان به در کرده و به زندگی آنان رونق می بخشد.

پوشش گیاهی و درختانی که در منطقه بلوچستان رشد می کند، از لحاظ زیست محیطی و اکولوژی دارای اهمیت است. درختانی که از لحاظ ضخامت و مقاوم بودن، چون مردمان این دیار در برابر گرما و بادهای سوزان لوار و صولت گوریچ سر خم نکرده و بلند بالا ایستاده اند. این جا سرزمینی است که درختانش به جز قسمت شمالی در سایر نواحی همیشه قبای سبز بر تن دارند و به هیچ وجه رت و عریان نمی شوند. باد و بوران، لوار سوزان به این درختان آسیبی نمی رساند و یک تا قبا می ایستند.

دریای مکران، چون طره ای آبی رنگ در کناره‌های سرزمین مکران دوخته شده است و موج‌های سیماب چون نگینی بر روی آن می‌درخشند. مردمانی که برای کسب روزی حلال دل به دریا زده مایل‌ها را پشت سر می‌گذارند تا نانی حلال را بر روی سفره‌های خانواده‌ی خویش بیاورند.

مردمان این سرزمین مناعت طبعی چون نخل‌های باسق و سر به فلک کشیده دارند. دلشان چون دریا وسیع، قلبشان به پاکی دشت‌های همواری است که هیچ‌گونه پستی و بلندی در آن وجود ندارد. اتحاد و همبستگی را از ستاره‌های آسمان که دوشادوش همدیگر قرار گرفته‌اند.

فرهنگ و ثقافت

فرهنگ؛ شیوه زیستن و ارتباطات انسانی در جامعه است. مردمان بلوچستان زمین دارای فرهنگ، آداب و رسوم بسیار غنی و والایی هستند. این شیوه و آیین در تمامی مراحل زندگی اجرا می‌شود. آن‌گاه که فرزندی متولد می‌شود. زنان تا هفت شب بر بالین مادر و نوزاد «سپت» می‌خوانند. تا اینکه در طول این شب‌ها مادر و نوزادش احساس تنهایی نکرده و از طرفی دیگر «جاتیگ» و موجودات پلید به نوزاد صدمه ای وارد نکنند. ختنه‌ی نوزادان نیز همراه با آیین خاصی برگزار می‌شود. که به آن «بُرُک» گفته می‌شود. این مراسم همراه با ولیمه و ساز و موسیقی خاصی انجام می‌شود. به طوری که افراد دوره گرد به صورت یک گروه چند نفری با مرکب روستا به روستا مراجعت کرده و یک یا دو روز در روستا می‌مانند و کودکان و نوزادان پسر را ختنه می‌کرده‌اند. کلیه‌ی افراد روستا در این مراسم حضور پیدا می‌کنند. بعد از ختنه و نواختن آهنگ و موسیقی چادری پهن

می‌شود و افراد به اندازه وسع و توان خویش پولی را بر روی چادر می‌گذارند. البته این مراسم کم رنگ شده است.

شیوه ی ازدواج و عروسی در سرزمین بلوچستان متمایز از مناطق دیگر و اکثر ازدواج ها فامیلی است. در وهله ی اول خواستگاری صورت می‌گیرد. در گذشته‌های دورتر مراسم عروسی در روز سه شنبه با حجله بندی شروع می‌شد. زنان فامیل داماد برای حجله بندی به خانه ی عروس رفته و در طی مراسم خاصی در هنگام عصر این مهم انجام می‌شود. شب حجله بندی دست و پای داماد را همراه با «نازینک و چاپ» حنا می‌بندند و سپس به خانه ی عروس رفته و با نازینک و چاپ دست و پای عروس را نیز با حنا تزیین می‌کنند. دومین شب عروسی «شب دُزکی» نام گذاری شده است. در این شب فقط نازینک و چاپ می‌زنند. در سومین شب عروسی فامیل‌ها، آشنایان و مردم روستا برای صرف ولیمه دعوت هستند. همه می‌آیند تا مراسم هر چه با شکوه تر برگزار می‌شود. در روز بعد که جمعه است باز هم ولیمه ای داده می‌شود و بعد از نماز ظهر همه ی فامیل های داماد از کوچک و بزرگ، زن و مرد لباس نو بر تن کرده و داماد را به «کورگان» می‌برند و لباس نو می‌پوشانند و بعد از نماز عصر خطبه ی عقد جاری شده و داماد را به خانه ی عروس برده و عروس را قبلاً بر روی تختی نشانده اند. شیر و شربتی به آن دو می‌نوشانند تا زندگی شیرینی داشته باشند.

زندگی انسان دو روی دارد. زمانی با خوشی های زندگی شاد می‌شود و در وقتی دیگر با غم و اندوه دچار ناراحتی و پریشانی می‌شود. هیچ کس را گریزی از مرگ نیست. چون مرگ فرا رسد آدمی در برابر مشیت الهی جز قبول تقدیر راهی دگر ندارد. لحظه ی از دست دادن عزیزان بسیار سخت است. صبر مفتاح تمام مصیبت هاست. چون کسی دار فانی را وداع گوید بر مناره‌های مساجد محلات برای شرکت در نماز جنازه اعلام می

شود. همه ی کسانی که با خبر می شوند خودشان را برای نماز جنازه می‌رسانند. آخرین دیدار با میت انجام شده و سپس مراسم خاکسپاری صورت می‌گیرد. اولیای میت تا سه روز به پرسه می‌نشینند و افراد برای تسلی خاطر حضور می‌یابند و با خواندن حمد و دعای مغفرت برای میت، نزدیکان فرد فوت شده را دلداری می‌دهند.

زیباترین و در حین حال غم انگیز ترین صحنه ی وداع و خداحافظی با عزیز سفر کرده زمانی است که مادری مراد فرزندش را بر دل داشته باشد و در ناباوری هر چه تمامتر فرزندش را از دست بدهد. درچنین لحظاتی که مادر آرزوی داماد شدن فرزندش را می‌کشیده و با تمام آرزوها به سخت ترین مصیبت گرفتار شده است. آیا مرثیه بخواند یا هلله؟ اشک شوق بریزد یا ندامت؟ با اندوه هر چه تمامتر شروع به هلله و «نازینک» برای فرزندش می‌کند.

رفتارهای اجتماعی و هنجارهایی چون میار جلی، قول و وعده، هشر و مدد، دیوان، پترو... وجود دارد که هر کدام از این مورد نماد و نشانه های مردمان بلوچ در طول تاریخ هستند.

زبان بلوچی

زبان بلوچی از نظر ژرف ساخت و روساخت دستوری به زبان فارسی پهلوی نزدیک است. واژگان بسیاری در زبان بلوچی امروز کاربرد دارد و جزء واژه های زنده این زبان محسوب می شوند؛ این واژه ها را می توان در زبان فارسی باستان و فارسی میانه یافت. زبان بلوچی یکی از زبان های زنده دنیاست. زبانی که در دل خود تاریخ، فرهنگ و حماسه یک قوم را در خود جای داده است

مردم بلوچ به زبان بلوچی سخن می گویند، که یکی از زبان های شاخه شمال غربی زبان های ایرانی است. بیشتر مردم بلوچ، مسلمان اهل سنت هستند.

زبان بلوچی، یکی از زبان های اصیل و دارای واژگانی غنی است. براساس زبان شناسی تاریخی، زبان فارسی یکی از شاخه های زبانی هند و اروپایی است. زبان بلوچی در کنار زبان های سغدی و خوارزمی شاخه ای از زبان فارسی است.

زبان بلوچی از منظر کاربرد واژگان در ایران به دو شاخه ی شمالی و جنوبی تقسیم می شود که به شاخه ی شمالی «سرحدی» و به شاخه ی جنوبی «مکرانی» گفته می شود. زبان بلوچی چون زبان های دیگر در زمینه ی ادبیات حرف های ناگفته ی زیادی دارد. پژوهش هایی در زمینه های مختلف این زبان صورت گرفته است ولی همه ی این ها قطره ای در دریای بیکران این زبان است.

کنایه

ادبیات به ویژه شعر، شیوه‌ی غیر مستقیم بیان اندیشه و گریز از منطق عادی گفتار است. اندیشه‌های خلاق و مبتکری که آمیزه‌ای از عشق، احساس، عاطفه و تخیل پویا باشند، می‌توانند گامی مؤثر در راه تعالی اندیشه‌های نوین هنری بردارند و هنری مؤثر در حوزه زبان و بیان داشته باشند. که ما از آن به ایجاد لذت ادبی در مخاطب جهت القای اندیشه‌ای خاص و هنرمندانه یاد می‌کنیم. کنایه یکی از گونه‌های صورخیال که از دیر باز مورد توجه جامعه‌ی زبانی جهت مخیل کردن سخن و گفتار بوده و جایگاه خود را حفظ کرده و حتی بسط و گسترش خاصی یافته است. کنایه، به تصویر کشیدن لحظه‌های حقیقی است که دور از چشم مخاطب بوده و او ناآگاهانه دست به انجام یک عمل یا تغییرات اسلوب خاص زندگی یا امور جاری آن زده لذا بیان حقیقت به صورت صریح، واضح و بدون لفافه و پوشش در اغلب موارد با واکنش غیر معقول و ناخوشایند از سوی مخاطب همراه خواهد بود، لیکن می‌توان داروی تلخ حقیقت را در پوششی زیبا و با اسلوبی خاص که بی‌شک زبان کنایه زیباترین نوع آن است با حلاوتی خاص به مخاطب چشاند. کنایه نیز یکی از راه‌های بیان غیرمستقیم اندیشه است. که در تقسیم بندی آرایه‌های ادبی زیر مجموعه‌ی بیان قرار دارد و در کنار تشبیه، استعاره و مجاز رکن چهارم بیان است.

«کنایه مصدر (کنی یکنی) یا (کنایکنو) یعنی هم به صورت ناقص یایی و هم ناقص واوی به معنی پوشیده سخن گفتن و ترک صریح است. اما در زبان هنر بیان عبارت است از ایراد لفظ و اراده‌ی معنی غیر حقیقی آن، آن گونه که بتوان معنی حقیقی آن را نیز اراده کرد.» (تجلیل، ۱۳۸۵: ۸۰)

«کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی که دارای دو معنی قریب و بعید باشد، و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند، پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و بکار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد چنانکه بگویند «پخته خوار» به معنی مردم تنبل که از دسترنج آماده ی دیگران استفاده می کنند.» (همایی، ۱۳۸۰: ۲۵۵)

در زمینه ی ضرب المثل های بلوچی و زبان شناسی چندین مورد پژوهش صورت گرفته است ولی در خصوص کنایات گویش بلوچی مکرانی پیش از این هیچ گونه پژوهشی مربوط به موضوع و منطقه ی مورد پژوهش صورت نپذیرفته است. در کتاب بتل گنج (غلام فاروق، ۲۰۱۱) که گنجینه ای از ضرب المثل های گویش بلوچی اعم از بلوچی مکرانی و رخشانی (سرحدی) می باشد. اشاره ای کوتاه به کنایه فقط برای مشخص کردن تفاوت اساسی میان کنایه و ضرب المثل شده است.

چار چوب این پژوهش به صورت تصریفی می باشد. بدین طریق که واژگان و ترکیباتی که کاربرد و معنای کنایی دارند از حرف «ک» تا پایان حرف «ی» مطابق حروف الفبای بلوچی:

ا-ب-پ-ت-ث-ج-چ-د-ڈ-ر-ڑ-ز-ژ-س-ش-ک-گ-ل-م-ن-و-ه-ء-ی-ے
و براساس رسم الخط کتاب «بلوچی سیاهگء راست نیسگ» / درست نوشتن رسم الخط بلوچی / تنظیم شده است.

لازم به ذکر است که بعضی از حروف زبان فارسی معیار در زبان بلوچی مکرانی بر اساس شیوه ی رسم الخط سید هاشمی تغییر وضعیت می دهند. حرف «خ» که از حروف زبان فارسی معیار است در زبان بلوچی به صورت «ه» یا «و» به کار می رود.

فارسی	بلوچی
خشت	هشت
تخت	تهت
بخت	بهت
فارسی	بلوچی
خوش	وش
خوشدل	وشدل
خواهش	واهشت

حرف «غ» فارسی در بلوچی تبدیل به «گ» می شود.

فارسی	بلوچی
مرغ	مرگ
بغل	بگل

حرف «ف» فارسی در بلوچی تبدیل به «پ» می شود.

فارسی	بلوچی
مفت	مپت
هفت	هپت

حروف فارسی (ث- ح - ذ- ص- ض - ط- ظ- ع- ق) در زبان بلوچی به صورت زیر می آیند.

فارسی	بلوچی
(ث، ص)	(س)

فارسی	بلوچی
(ذ، ض، ظ)	(ز)
(ع)	(ا)
(ح، خ)	(ه)
(ط)	(ت)
(ق)	(ک)

ضمناً پژوهشگر کوشیده است برخی کنایات را با کنایه معنی و تفسیر نماید و نیز بعضاً معادلی از زبان فارسی معیار بیان شده است.

هر عبارت یا ترکیب کنایی در ابتدا به صورت مصدری نوشته شده سپس صورت صحیح تلفظ آن کنایه در گویش مکرانی واج نویسی شده است، در ادامه ترجمه ی تحت اللفظی هرکنایه به زبان فارسی معیار (تا حد ممکن) ارائه گردیده است. پس از آن، معنا یا معانی کنایی ذکرشده و برای تفهیم بهتر هر کنایه شاهد یا شواهد مثالی قید گردیده است. در پایان، معنی واژگان دشوار، علت یا علل کاربرد هر کنایه در قسمت توضیح بیان شده است و با توجه به اینکه بررسی گویش ها (از جمله کنایات هر گویش مانند کنایات زبان معیار) شیوه ای علمی و عملی است و نیز به منظور افزایش دقت و منسجم نمودن هر

چه بیشتر پژوهش، می‌توان سایر پژوهش‌های گویش‌شناختی و زبان‌معیار را رهنمود و الگوی کار خود قرارداد.

بسیاری از داستان‌ها، قصه‌ها، ضرب‌المثل و کنایات در پهنه‌ی زبان بلوچی به صورت شفاهی از دیرباز رواج داشته و سخنوران این زبان در اثنای سخنان خویش این مورد را به کار برده‌اند.

زبان بلوچی دارای ۲۵ حرف می باشد که عبارتند از : اب پ ت ث چ د ڈ ر ژ ز س ش ک گ ل م ن و ه (ه) ی ے که از بین آنها حروف «ث» «ڈ» و «ژ» در زبان فارسی وجود ندارند. بدین ترتیب کنایه های مورد نظر این پژوهش از حرف «ا» تا پایان حرف «ش» مطابق حروف الفبای بلوچی تنظیم شده است.

حروف و نشانه های آوایی بلوچی با مثال

حرف بلوچی	لاتین	مثال بلوچی	لاتین	معنای فارسی
ا	Ā	آس	Ās	آتش
ب	B	بنپان	bonpān	نگهبان
پ	P	پریات	peryāt	فریاد
ت	T	تھت	That	تخت
ث	ṭ	ٹپ	ṭap	زخم
چ	Ĵ	جیشک- جوشک	ĵišk-jušk	گنجشک
ڇ	Ĉ	ڄم	Ĉam	چشم
د	D	دلوت	dalwat	حیوان اهلی
ڌ	ḍ	ڌاچی	ḍāci	شترماده
ر	R	روپگ	ruapag	جارو
ڙ	ṛ	لڙو	lairo	شتر نر
ز	Z	زهم	Zahm	شمشیر
ڙ	Ž	ڙیمب	Žimb	تاریک
س	S	سیچن- سوچن	Siččen- suččen	سوزن
ش	Š	شپانک	Šepank	چوپان
ک	K	کهن	Kahn	قنات
گ	G	جنین	ĵaniān	زن
ل	L	لاپ	Lāp	شکم

مادر	Mât	مات	M	م
شبنم	Namb	نمب	N	ن
جوان	Warnâ	ورنا	W	و
خداوند	Hâwand	هاوند	H	ه
مال ما	Mayg	مئیگ		ء
این	Iə	ای	Y	ے
یاد	Yât	یات		ی

واکه های ساده

واکه های مرکب

معنی	مثال	نشانه ی آوایی	واکه
میش	miəʃ	iə	ایی
خورشید-روز	ruəʃ	uə	اوو
سرو	sawl	Aw	او
مال ما	may	Ay	ای
کمر	seriən	lë	ایی

حرف/حروف	نشانه ی آوایی
ای کوتاه	I
اکوتاه	e
اکوتاه	a
اکوتاه	o
اوکوتاه	u

عبارات زیر کنایه هستند:

- چم جهلی: کنایه ای است به معنای سستی.
- دیم کرچک کنگ: ناراحت و یا عصبانی شدن.
- با مزن دلی: با ظرفیت بالا.
- دیم پچی: گشاده رویی.
- چنک چنک بهر نه بیتان: بسیار مورد احترام قرار گرفتم.
- چم سُهرے: چشم غره ای.
- دلوں مزن کت: دل را به دریا زدم.
- دیم ء شتآن: پیشرفت کردم (در کار پژوهش).
- دیوں آپ دات: دهنم آب افتاد (به معنای کنایی: حرص و آرزوی پیشرفت در کار داشتم).
- لهتے گور ء وتوں چوٹ کت: در برابر برخی خواهش کردم
- لهتے ء دیوں بست: به بعضی کمک اندک مادی کردم.
- لهتے ء ماری مِنّت وار کُت: بعضی ها ما را شرمنده کردند (بدون چشم داشت کمک کردند).

- قبل از مطالعه لطفاً به مواد زیر توجه فرمایند:

- برخی کنایه ها اگر چه با فارسی یکسان است اما علاوه بر معادل آن در زبان فارسی معنای دیگری هم دارند که مختص زبان بلوچی است. مانند کنایه ی «روسياه» که در زبان فارسی به معنای کنایی آدم رسوا و بی آبرو است ولی در زبان بلوچی علاوه بر آن به معنای «شخص تنبل و بی خاصیت» نیز می باشد.
- جمله های کنایی به زبان محاوره بلوچی مکرانی نوشته شده اند. تلاش شده فعل ها هم به صورت محاوره و هم در پُرانتز به صورت ادبی نوشته شوند مانند:

نے (نیست انت) در معنای نیست. البته در برخی موارد فقط محاوره آن نوشته شده و صورت ادبی آن آورده نشده است.

- برخی از کنایه‌ها از زبان فارسی و یا سایر زبان‌ها وارد زبان بلوچی شده‌اند مانند: آچار فرانسه.

- معادل برخی کنایه‌ها که در زبان فارسی بسیار مشهورند آورده نشده است. مانند: پشت ء کپگ در معنای «به پشت افتادن» و معادل کنایی «عقب افتادن»

- معادل کنایی در برخی موارد آورده شده ولی منبع آن ذکر نشده. همه‌ی معادل‌های اشاره شده از کتاب «فرهنگ کنایات سخن» دکتر حسن انوری است.

- برخی کنایه‌های جدید به دلیل شرایط و ارتباط محیطی از زبان فارسی وارد زبان مکرانی بلوچی شده است مانند: «چی» در معنای کنایی «پیرو افکار کمونیستی».

فصل اول...

آرایه ی کنایه و کاربردهای آن

در این فصل کنایه را تعریف کرده، انواع آن و نیز تفاوت آن را با مجاز و استعاره بررسی می کنیم

کنایه در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن است اما در علم بیان عبارت است از ایراد لفظ و اراده ی معنای غیر حقیقی آن به صورتی که بتوان معنای حقیقی آن را نیز اراده کرد. (علوی مقدم، ۱۳۳: ۱۳۷۶) کنایه از احساسی ترین مسائل زبان است و خواننده و یا شنونده ای که به زبانی آشنا نیست به سختی توانایی آشنایی کامل با زبان مورد نظر را دارد؛ مثلاً در زبان فارسی وقتی می گوییم: «اوستا کریم ما را دریاب» مراد از «اوستا کریم» خداوند است و در حقیقت معنای کنایی اوستا کریم، خداوند است. به همین صورت در جمله و عبارت «فلانی دست و دل باز است» مراد از آن بخشنده بودن شخص است. به همین صورت در زبان بلوچی مکرانی می گوییم: پلانی دست **پچے** **pelâni dašt pačio** «فلانی دست باز است»، که معنای کنایی آن بخشنده بودن و سخاوتمند بودن فرد است. و یا: پلانی چم **چله** **pelâni čam jahlio** «فلانی چشم پایین است» به معنای کنایی بی عرضه بودن، بی خاصیت بودن و یا بی غیرت بودن است.

انواع کنایه به لحاظ مکنیّ عنہ

در ابتدا این مطلب را روشن می کنیم که به الفاظ و معنای ظاهری، مکنیّ به و به معنای مقصود، مکنیّ عنہ می گویند. انواع کنایه به لحاظ مکنی عنہ به صورت زیر است:

۱- کنایه از موصوف (اسم)

یعنی صفت یا صفاتی را ذکر کنند و موصوف را کنایه نمایند. مثلاً در زبان فارسی «ناخن خشک» کنایه از شخص خسیس است و در بلوچی مکرانی، دست پیچ (dast pač) «دست باز» به معنای سخاوتمند می باشد. ویا:

بالات شجاع ارغوان تن زیر تو عروس ارغنون زن
«شجاع ارغوان تن» کنایه از مریخ است و «عروس ارغنون زن» کنایه از زهره است.

۲- کنایه از صفت

مکنیّ به (معنای ظاهری) صفتی است که باید از آن متوجه صفت دیگر شد، مانند «سرافکنده» در زبان فارسی که کنایه از «خجل» است و در زبان بلوچی بی دل (biə del) با ترجمه ی تحت اللفظی «بی دل» به معنای کنایی «ترسو و بزدل» می باشد.

۳- کنایه از فعل یا مصدر

فعل یا مصدری یا جمله ای در معنای فعل یا مصدر دیگر به کار رفته باشد. مثلاً در زبان فارسی «کمر بستن» به معنای کنایی آماده ی کاری شدن است و در بلوچی مکرانی «شلوار لانچگ» (šalwâr lānčag)، شلوار بالا زدن، به معنای کنایی آماده شدن برای کاری است.

۴- کنایه ی قریب

در این کنایه انتقال معنی از مکنی به (معنای مجازی) به مکنی عنه «معنای حقیقی» به آسانی صورت می گیرد، به طور مثال: چشم بر چیزی داشتن که کنایه از امید داشتن است. در بلوچی مکرانی «چم پَه کسے دست ء سکت بیگ» (čam pa kasiə dast â sakk bayag) «چشم بر دست کسی داشتن» به معنای کنایه «امید و انتظار از کسی داشتن» است.

کنایه ی بعید

کنایه ی بعید آن است که بین معنی حقیقی و مجازی (مکنی عنه و مکنی به) ارتباط زیادی نباشد اگر چه ممکن است چندین واسطه بین معنای کنایی و معنای حقیقی وجود داشته باشد.

به طور مثال:

بزرگی بایدت دل در سخا بند سر کیسه به برگ گندنا بند

در بیت بالا و برای دانستن معنای حقیقی مصراع دوم «سر کیسه به برگ گندنا بستن» چند واسطه وجود دارد:

برگ گندنا محکم نیست و زود پاره می شود پس سر کیسه باز است در نتیجه باز بودن سر کیسه کنایه از بخشنده بودن است چنان که مردم می گویند: فلانی سرکیسه را شل کرد! (شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۷).